

فصل‌نامه‌ی علمی زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا

س ۱۵، ش ۳ (پیاپی ۳۹)، پاییز ۱۴۰۳

صص: ۱۷۰-۱۵۱

شاپا: ۸۴۸۷-۲۲۵۱

بررسی تطبیقی مؤلفه‌ی ریا و دوگانگی رفتاری در شعر سیمین بهبهانی و حسین منزوی

رقیه کریمی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران

دکتر علی عین‌علیلو (نویسنده‌ی مسئول)

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران

دکتر سپیده سپهری

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران

چکیده

از بین شاعران ادبیات غنایی دوره‌ی معاصر که تأثیر بیشتری در تحول دیدگاه‌های شعر داشتند، می‌توان به سیمین بهبهانی و حسین منزوی اشاره کرد. آنچه که در این جستار مطرح است بُعد اجتماعی شعر غنایی بوده و نوع اندیشه‌ی این دو شاعر را آشکار می‌سازد. از این رو، دوگانگی رفتاری و ریاکاری که موجب فریب اذهان می‌شود، از جمله مؤلفه‌هایی هستند که شاعران ضمن نقد، از آنها دوری جسته‌اند. مقاله‌ی حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تطبیقی سعی دارد نشان دهد که دو شاعر از چه نوع ریاکاری سخن گفته‌اند؟ شناخت نشانه‌های این صفات می‌تواند انسان را در چگونگی برخورد با این افراد یاری کند و بررسی اشعار دو شاعر عاملی برای دستیابی به قدرت اجتناب از آنهاست. در این میان سیمین به طور مستقیم و با تعدّد و تنوّع بیشتری این رذیله را مطرح کرده است؛ در حالی که منزوی تلاش می‌کند تا تعهد اجتماعی را عاطفی‌تر لحاظ کند. آنچه را که هر دو شاعر توانسته‌اند براساس موازین اخلاقی به مخاطب نشان دهند، کاربرد واژه‌ی نقاب، افسون، پتیارگی و فریب بوده که در ترادف با ریا به طور یکسان به کار رفته است.

واژگان کلیدی: اخلاق اجتماعی، ریاکاری، دوگانگی رفتاری، سیمین بهبهانی، حسین منزوی

Email: shahgol.karimi14@gmail.com

a-alilo@riau.ac.ir

sepedeh.sepehri2363@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۳/۱۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۷/۲۶

۱- مقدمه

از مشخصات بارز ادبیات غنایی بهره‌گیری از تنوع تفکر و احساس در مسیر اخلاقیات است که هر انسان متعهد خود را در برابر رعایت و بیان آن مسئول می‌داند. سیمین بهبهانی و حسین منزوی دو تن از شاعرانی هستند که به مفاهیمی همچون عشق، وطن، زندگی، حسرت، حسد، کینه، مرگ، ریا، فریب و غیره پرداخته‌اند. لیکن در این بین از مسایل ضد اخلاقی گله‌مند بوده و ضمن نقد از آنها دوری جسته‌اند. دو شاعر ضمن احترام به افراد جامعه، مؤلفه‌های ریا و دغل را به عنوان یک ضد ارزش مطرح می‌کنند. گرچه هر دو بیشتر غزل‌سرا هستند، اما بر مضامین اخلاقی و اجتماعی تأکید می‌کنند، این مقاله سعی دارد تا با بررسی بیت‌های دو شاعر رهیافتی در تطبیق انتقادی اتخاذ کرده و نشان دهد هر دو از چه نوع ریاکاری سخن گفته‌اند؟ ضمن اینکه با زبان شعر مخاطب را در شناخت افرادی که دارای این خصیصه هستند، یاری می‌کنند. این نوشتار، در تبیین یک الگوی ایجابی می‌تواند کارکرد مؤثری برای این مسأله داشته باشد و شکل‌گیری آن در جامعه به رشد فردی و اجتماعی کمک خواهد کرد.

از عناصر اصلی نکوهدیده در جامعه دوگانگی رفتاری است که با عاملیت منفعت‌طلبی، امروزه نمود بیشتری پیدا کرده است. نگرش استدلالی به این مقوله می‌تواند مسیر سعادت‌مندی را برای جوامع بشری هموار سازد. به طور کلی آنچه که به عنوان ارزش و ضد ارزش شناخته می‌شوند می‌توانند در روابط افراد و سبک زندگی‌شان اثر گذاشته و چگونگی بهره‌مندی از آنها وضعیت جامعه را به انحطاط بکشاند یا برهاند. این مسأله به شکل نموده‌های اخلاقی در اشعار شاعران مطرح است. با توجه به فرهنگ هر کشور، ادبیات غنایی با ادبیات تعلیمی و پایداری وابسته است و حوادث سیاسی و اجتماعی سبب بروز مسایلی می‌گردد که حس انتقاد و اندوه بشر را برانگیخته و به صورت اشعار اعتراضی درمی‌آید. اگر چه برجسته‌ترین مضمون شعری سیمین و منزوی عشق است و به عنوان یک هدف در زندگی به آن می‌نگرند، همان‌قدر هم نسبت به خصایص دورنگی و فریب حالت ستیز به خود می‌گیرند و به نقد این کج‌رفتاری‌ها می‌پردازند. در مقایسه و تطبیق اندیشه‌های دو شاعر، با توجه به نوع زندگی و شرایط اجتماعی که در آن به سر می‌بردند، می‌توان گفت که آرمان‌های یکسانی دارند. اگر چه گاهی اختلافات محتوایی و سبکی بین آنها دیده می‌شود و همین امر بر روابط دوستانه آنها اثر سوء نهاده است؛ اما نسبت به طرح واقعیت‌ها و رویارویی با بی‌رسمی‌های اجتماعی با هم وجه اشتراک داشته‌اند. در واقع «اشعار سیمین به مفاهیمی اشاره دارد که از واقعیت‌های ملموس و رنج‌آور و شادی‌آفرین زندگی مایه‌ور شده است.» (شریفی، ۱۳۹۱: ۱۸۱) و از آنجایی که تکیه‌گاه منزوی اعتقادات دینی او بوده،

می‌توان گله‌هایش را نسبت به دغل‌بازی‌های زمانش درک کرد که جنبه تعلیمی و حکمی به خود می‌گیرند. در واقع شعر هر دو شاعر معطوف به عامه بوده و حرف دل مردم را بازگو می‌کند. شناخت نشانه‌های صفات ردیله مانند دوگانگی رفتاری یا ریا می‌تواند انسان را در چگونگی برخورد با این افراد یاری کند. از این رو، با توجه به اهمیت این مسئله در دوره‌های مختلف، بررسی اشعار این دو شاعر عاملی برای دستیابی به قدرت اجتناب از این افراد است. اهمیت تحقیق درباره محتواشناسی شعر بعد از انقلاب اسلامی بر هیچ منتقدی پوشیده نیست؛ اگر این ضرورت، امروز تحقق نیابد، نسل‌های بعد نمی‌توانند به بیان و تبیین دقیق شعر این دوره بپردازند و همان فاجعه‌ای تکرار خواهد می‌شود که در دوره مشروطه اتفاق افتاده است؛ چرا که حلقه‌های مفقود شده در نزدیک‌ترین دوره ادبی ما مشروطه - به قدری زیاد است که گاه ما را از درک صحیح و درست تحولات شعر عصر مشروطه محروم می‌سازد. ادبیات انقلاب اسلامی آیینۀ باورها، نگرش‌ها و اندیشه آرمانی یک ملت است. ادبیاتی که اشک و لبخند، آرامش و خطر، فریاد و سکوت، خاکستر و آفتاب و خشم و نرمش ملتی را منعکس می‌کند و این دو شاعر توانسته‌اند با اثرگذاری فکری بر محتوا و درون مایه شعر فارسی به این مهم دست یابند.

پیشینه پژوهش

با توجه به سابقه پژوهش، صدیقه لقمان‌نیا در بررسی اخلاق اجتماعی در شعر حسین منزوی، ضمن معرفی شاعر، به تبیین نموده‌های اخلاق اجتماعی در اشعار وی می‌پردازد و عشق و محبت را زنده و پویا می‌داند. «منزوی عشق را خمیرمایه اصلی شعر خود قرار داده، با آب و تاب، پررنگ و برجسته بدان پرداخته است. صلاي عشق در جایگاه‌های گوناگون شعر او به صدا درآمده و مراتب عالی و نازل آن جلوه‌گر شده است.» (لقمان‌نیا، ۱۳۹۴: ۲۰۴) تحلیل محتوایی اشعار منزوی از رضا بیات نیز حاکی از آن است که وی علاوه بر اشعار عاشقانه، به شعر آیینی و اجتماعی نیز توجه داشته است و گفته‌هایش از اتفاقات زندگی و حالات گذرای روحی او برمی‌خیزد که خالی از حضور من شاعر نیستند. «در چند شعر اجتماعی منزوی دعوت به مبارزه دیده می‌شود؛ در چند شعر هم یأس و ناامیدی از مبارزه و شکایت از وضع موجود موج می‌زند. در تمام این شعرها دشمن مشخص است؛ اما مرام و خواسته شاعر شفاف نیست؛ به بیان دیگر شاعر می‌گوید چه چیزی را نمی‌خواهد، اما نمی‌گوید چه چیزهایی را می‌خواهد.» (بیات، ۱۳۹۴: ۴۳) زهره جعفری نیز در اشعار پروین اعتصامی، فروغ فرخزاد و سیمین بهبهانی به مقایسه ارزش‌ها پرداخته و نشان می‌دهد که این سه شاعر در زمینه ارزش‌های اجتماعی که ریا و دغلکاری نیز جزء آنهاست، نظر مشترک دارند و از آن دوری می‌کنند. اما سیمین به به ارزش‌های سیاسی و اجتماعی گرایش

بیشتری نشان داده است. «او در دفترهای شعری نخست خود (جای پا، چلچراغ و مرمر) به بیان ارزش‌های فردی و جسمانی و اندکی هم اجتماعی و مردمی پرداخته است؛ اما با گذشت زمان این اشعار اجتماعی گسترش و وسعت یافته و حجم بیشتری از اشعارش به این امر اختصاص می‌یابد.» (جعفری، ۱۳۹۴: ۹۱) به طور کلی مقالات متعددی با موضوعات گوناگون درباره‌ی اشعار سیمین بهبهانی و حسین منزوی نوشته شده؛ اما در هیچ‌کدام به طور مستقیم از ناهنجاری‌های اجتماعی سخنی به میان نیامده است.

روش پژوهش

این جستار به یکی از رذایل غیر اخلاقی که در جوامع مختلف سبب انحطاط روابط اجتماعی می‌شود، به روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تطبیقی می‌پردازد. در این روش که به شیوه‌ی کتابخانه‌ای است، اطلاعات به دست آمده از منابع موجود مورد تحلیل قرار گرفته و پس از نمایش بسامد مؤلفه‌ها، نتیجه‌گیری می‌شود.

مبادی پنداری

اخلاق یکی از ارکان اصلی روابط اجتماعی به شمار می‌رود. جامعه‌ی بزرگ یعنی کشور و جامعه‌ی کوچک یعنی خانواده بدون اخلاق نمی‌توانند تداوم داشته باشند. در حقیقت زندگی اجتماعی اصولی را طلب می‌کند که با اخلاق اجتماعی شکل می‌گیرد. اخلاق نیک ارزشی است که می‌تواند شادکامی به حساب آید؛ زیرا در نهایت لازم است انسان به آن مرحله دست یابد و جامعه محیطی است که این امکان را فراهم می‌کند تا با زندگی اجتماعی به نتیجه برسد.

ریا رفتاری است که در ظاهر شایسته به نظر می‌رسد، اما در تمام دوره‌های مختلف، عملی کذب برای فریفتن دیگران به شمار می‌رود. انسان «چون اندیشه کند می‌داند که ریا کذب است، هم در قول و هم در فعل.» (طوسی، ۱۳۶۳: ۲۰۲) از نظر علم روانشناسی این عمل یک بیماری روحی و روانی است که سلامت اجتماعی را به مخاطره می‌اندازد. اما «ریا بر چند قسم است. قسم اول عبارت است از اظهار شهادتین به زبان، با انکار دل و این قسم کفر و نفاق است. قسم دوم ریا در عبادت است [که مردم به آن آگاهی دارند] و قسم سوم غیر عبادت باشد که یا در مباحات است، مانند تنظیف لباس و یا در پوشانیدن عیب.» (نراقی، ۱۳۷۸: ۵۵۶) به طور کلی پرداختن به این مقوله مستلزم گفتمان و تبیین دیدگاه دو شاعر است. گفتمان انتقادی یکی از مهم‌ترین شیوه‌های تحلیل آثار ادبی است و می‌تواند با توفیق در اخلاق‌محوری و اصلاح اجتماعی، جامعه‌ی بهتری ایجاد کند. با توجه به نقدپذیری فردی و اجتماعی، آنچه که در این امر اهمیت دارد، نوآوری در گفتمان است که وضعیت موجود جامعه را بیان می‌کند و براساس چارچوب خاصی راه حل خیرخواهانه

ارایه می‌دهد. «ون‌دایک، یکی از چهره‌های مطرح این رویکرد معتقد است که با چنین روش تحلیلی، تحلیل‌گران گفتمان انتقادی در تلاش اند تا نابرابریهای اجتماعی را کشف و افشا نمایند و در نهایت در مقابل آن ایستادگی کنند.» (آقاگل زاده، ۱۳۸۶: ۲۱) ایدئولوژی و کارکرد گفتمان در دوره معاصر واقعیت‌های اجتماعی را مطرح می‌کند. برای تبیین جنبه‌های اجتماعی آن از این مقوله استفاده می‌شود و سیمین چارچوب دیدگاه خود را در کلامی انتقادی به کار می‌گیرد و مخاطبان این دیدگاه، ارزیابی اخلاقی می‌شوند. او از جمله شاعرانی است که ساختار شعر او، براساس واقعیت است و به واسطه گفتمان بازنمایی می‌کند. چگونگی تبیین مقوله‌های اخلاقی، در انتقال دادن پیام‌های اجتماعی، حرکتی علیه ناهنجاری‌ها است. واقعیت‌های آشکار در جامعه بیانگر بحران اجتماعی و فقدان فضیلت‌هایی است که افراد را از اخلاص مبرا ساخته است. در دوره معاصر نیز همین امر سبب بروز ریا، فریب، دروغ و غیره شده و آرامش نسبی را به اوضاع تنش‌آور مبدل ساخته است. از این رو، شاعران با قطب‌بندی ارزش‌های اخلاقی و گفتمان انتقادی سعی کردند، حرمت انسانی را در قالب رفتار اجتماعی نشان دهند. براساس جامعه‌شناسی ادبیات، «زبان، ذاتاً پدیده‌ای اجتماعی است که به وسیله شاعر یا نویسنده برای بیان مفاهیم عینی و ذهنی مورد استفاده قرار می‌گیرد و آن را به ادبیات تعبیر می‌کنند.» (عسگری، ۱۳۷۸: ۹) جامعه‌شناسی علمی منطقی است که برای شناخت جامعه امور اجتماعی را بررسی می‌کند و ادبیات شناخت فرهنگ است که با هم به روابط اجتماعی افراد براساس خصایص آنان می‌پردازد.

۲- بحث و بررسی

۲-۱- نگاه سیمین بهبهانی به مقوله دغل‌کاری

سیمین از جمله شاعران برجسته معاصر است که با ساختار شعری ویژه‌ای که دارد، دردهای اجتماعی را به خوبی به مخاطب عرضه می‌کند. عناصری مانند کینه، حسد و تهمت از مهم‌ترین و ملموس‌ترین مؤلفه‌های ضد اخلاقی در اشعار اوست. اما ریاکاری یکی از فاکتورهایی است که سیمین مطرح نموده و در هر عصر و دوره‌ای می‌تواند جامعه را دچار بحران سازد. در واقع «سرک کشیدن به زوایای زندگی خود و مردم روزگارش شاخصه‌های اصلی شعر او را تشکیل می‌دهند.» (شریفی، ۱۳۹۱: ۱۷-۱۶) شکاف طبقاتی تمدن شهری مدرن و آسیب‌های زندگی از دیگر عواملی است که موجب افول اخلاق اجتماعی در جامعه می‌شود و شاعر با لمس انتزاعی این امر به تبیین آن می‌پردازد. «نقد اجتماعی و سیاسی- از هر نوعی که باشد ماهیتاً ننجاری، اخلاقی، ارزشی و ارزش‌بار است.» (های، ۱۴۰۰: ۲۹۴) می‌توان گفت چگونگی بیان از اهداف اصلی غزلیات سیمین است. زیرا طرح اوضاع سیاسی

اجتماعی زمانه مستلزم داشتن قدرت کلامی بالا و روحیه سرشار از نودوستی است تا بتواند به نوعی اطلاع‌رسانی ادبی نماید. «سیمین با وجود ساده‌گویی و نزدیک کردن شعر به زبان مردم و درآوردن نثر به نظم، شعر و زبان شعری خود را با حفظ شعریت ساده کرده است.» (همان، ۳۹) اما نمی‌توان هیچ چیز به آن اندازه‌ای که به نظر می‌رسد، ساده پنداشت. او در شعر کارمند، به طور مستقیم واژه دغل را به کار می‌برد. «بر ناکسان دغل ایستادن»، به دنبال لقمه‌ای نان، درد گرانی است. در واقع شاعر با به تصویر کشیدن رنج‌هایی که انسان می‌کشد تا بتواند از پس زندگی-اش برآید، ریاکاری حاکم بر جامعه عصر خود را بیان می‌کند. او از موضعی دفاع می‌کند که ایده‌آلیستی و واقعیت-گرا است و به نوعی می‌کوشد تا اجتماع را متقاعد کند که ساختار نظام اجتماعی با محوریت منافع افراد جامعه سامان‌مند است. این دوبیتی که جنبه داستانی به خود می‌گیرد، حکایت از حرمت‌شکنی دارد. مردی برای به دست آوردن لقمه‌ای حلال و اینکه شرمنده اهل و عیال خویش نگردد، می‌بایست تا مرتبه خمیدن پیش برود.

چه دردی‌ست، آوخ، چه درد گرانی! پی لقمه‌ای نان به هر سو دویدن
بر ناکسان دغل ایستادن به پای فرومایه مردم خمیدن
(بهبهانی، ۱۳۹۹: ۷۴)

او در یکی از دوبیتی‌هایش به نام موریانه غم، برای اینکه وارد میدان شود، در تبیین واژگان ریا و فریب از خود شروع می‌کند و اندوه کهنه زنانگی‌اش را پنهان می‌نماید. می‌توان گفت در بیت مورد نظر، ریاکاری چندان بد به نظر نمی‌رسد؛ اما برای مخاطب قابل فهم و درک است. زیرا توانسته احساس و عاطفه خود را به نمایش بگذارد. بی‌تردید شاعر تداعی‌کننده دردهای مشترک بوده و واقعیت‌ها را فراگونه‌تر مطرح می‌کند. شاعر در این غزل عرق زنانه خود را در قالب این نوع ناسازگاری نشان می‌دهد. واژه ریا و فریب در بیت فرایند همگونی صبر و تحمل را برجسته می‌سازد. یکی از متعارف‌ترین رویکردهای اجتماعی که سیمین در این شعر آشکار نموده، ظاهرسازی دوستان و اطرافیان است. در حقیقت هدف او توسعه بایدها و نبایدهایی است که با برخوردی متفاوت بیان می‌کند. بخش ارتباطی او به شکل امر و نهی و بر اساس قواعد زبانی مخاطب را به دریافت پیام ترغیب می‌نماید. به نظر می‌رسد در نقد آسیب‌نگاری، شاعر شخصیتی است که بر پایه مکتب سوررئالیسم، نحوه استفاده از صفات بشری را روانکاوی نموده و به طرح آن پرداخته است. به طور کلی «هر کلمه یک نشانه زبانی و متشکل از دال و مدلول است.» (پاینده، ۱، ۱۳۹۷: ۱۶۳) غزل حاضر احساس شاعر را از بودن در کنار دوستان کور دل توصیف می‌کند که از

این حالت در رنج است و این در خود فرو رفتگی را در زیر خنده‌های شیرین پنهان می‌دارد.

خنده شیرین من، ریا و فریب است در دل من موج می‌زند غم دیرین
چهره شادان من ثبات ندارد داروی تلخم نهان، به ظاهر شیرین
(بهبهانی، ۱۳۹۹: ۱۱۱)

آه شما دوستان کوردل من! دیده ظاهرشناس خویش ببندید
سرخوشی خویشتن ز غیر بجوید رنجه مرا بیش از این ز خود می‌پسندید
(همان، ۱۱۲)

سیمین در شعر تکاپو، بی‌ریایی را تنها در دوران کودکی می‌داند. زیرا انسان در این دوره مبرّا از هرگونه کنش و واکنش‌های متقابل در کاربرد خصایص اخلاقی خوب یا بد است. بدیهی‌ترین سوال این است که شاعر با سرودن این شعر در پی چه بوده است؟ با توجه به نشانه‌ها، احساس می‌شود شاعر در برابر مؤلفه‌ریاکاری واکنش نشان می‌دهد و قصد دارد دوره‌ای از زندگی بشر را به نمایش بگذارد که عشق در دل‌هایشان باقی بوده و با کاربرد واژگان پدید آمده است. این فرایند به محقق کمک می‌کند تا مقصود شاعر را از تکرار «ما که بودیم؟» دریابد. اینکه او می‌خواهد به مخاطب پیام بدهد آنچه که عامل سرایش این شعر است، تقریر مفهوم صدق و پاکی در لایه‌های مبهم هنجارهای اجتماعی آن دوره است. در واقع الگوسازی انسانی برای رفتار اجتماعی را نشان می‌دهد.

دیدمت باز در گذرگاهی از پی سال‌ها جدایی‌ها
کودکی باز زنده شد در من آن صفاها و بی‌ریایی‌ها
(بهبهانی، ۱۳۹۹: ۲۲۶)

اما در شعر فریاد، سیمین با رویکرد دیگری به ذهن مخاطب این نکته را متبادر می‌کند که پایان شب‌های سیه دغلکاران سحر نمی‌شود و نتیجه وعده دادن‌های پوشالی‌شان دشنام کودکان سر رهگذر می‌گردد. در واقع شاعر با نقل قول و توصیف گزاره‌های مصداقی ارتباط کلامی برقرار می‌کند. او گفته‌هایی را که رنگ فریب دارند، دلیل فروپاشی روابط انسانی می‌داند. به طور کلی از دیدگاه سیمین ریا ابزاری کارآمد برای کسب اعتبار اجتماعی نام‌آوران خلق فریب است. به کسانی اشاره می‌کند که عهد می‌بندند و می‌شکنند. این دوگانگی رفتاری حکایت فرومایگی آنهایی است که درک و تصور محدودی از انسان داشته و اهداف دنیوی دارند و سعی می‌کنند توجه دیگران را به خود جلب نمایند. لکن او این رذیلت اخلاقی را به شاخه‌ای مانند می‌کند که به بار نمی‌نشیند. تازگی تشبیه و استعاره در

بیت حاضر این نوع ظاهرسازی و خودنمایی را به زیبایی نشان می‌دهد.

گفتند و گفته‌ها همه رنگ فریب داشت شاخ فریب و حيله کجا بارور شود؟
نام‌آوران خلق فریبند و نامشان دشنام کودکان سر رهگذر شود
(بهبهانی، ۱۳۹۹: ۲۷۶)

عناصر انتخابی شاعر گاهی به صورت ضمنی مطرح می‌شوند. سیمین در غزل افسانه‌پری، ریا را به شکل افسون و افسون‌گری ارایه می‌دهد. در واقع کاربرد واژگان ساز و کارهایی است که معنا را با شوق بیشتری منعکس و مؤثر می‌سازد. ناگفته نماند که افعال امری نیز در توسعه درک مفاهیم فرهیختگی شاعر را به نمایش می‌گذارند.

من پری هستم به افسون در ترنجم بسته‌اند تا رها سازی مرا، افسون‌گری را می‌شناس
(بهبهانی، ۱۳۹۹: ۲۹۱)

سیمین در برخی از شعرها مانند دام فریب، نوعی بینابینی با اشعار دیگر ایجاد می‌کند. یک نوع وضعیت اجتماعی و رنج و محنت افراد پیرامون خود را نشان می‌دهد و نوع دوم وضعیت خود او و حالت دلدادگی‌هایی که با مصائب و مشکلات سپری می‌شود. واژگانی که در این غزل انباشت شدند، نظم خاصی به آن بخشیده‌اند و می‌توان گفت از یک جنس هستند. آهنگین بودن غزل نیز توانسته است، درک معنایی بیشتری ایجاد کند. این دیدگاه در غزل ساق فریب‌زن نیز تکرار می‌شود.

از جمع یاران پا مکش با من به یاری سر مکن
این جام افسون در مکش این باده در ساغر مکن

(بهبهانی، ۱۳۹۹: ۳۳۸)

اما در غزل رسالت، طرح افکار کهنه و زبون تسلط شاعر را بر لفظ و معنا اثبات می‌کند. چرا که این دو هرگز از هم جداشدنی نیستند. رایج‌ترین نوع ریا و فریب آن است که بیشتر در گفتار بیان می‌شود. ریای کلامی مطالب جدیدی روایت می‌کند که در گوش شنونده ایجاد شگفتی کرده و سرعت پذیرش آن را بالا می‌برد؛ اما در نهایت ضلالت و تاریکی به همراه خواهد داشت. شاعر در این شعر، در خطاب به افراد جامعه اهمیت انتقاد منفعلانه خود را استحکام می‌بخشد و حرف‌های بیهوده و راجان کوی و برزن را نشانه یابس بودن اندیشه و عقل آنها می‌داند. می‌توان گفت سیمین در مصراع‌های این غزل پیوندی ایجاد می‌کند که همگی یک مضمون را می‌رسانند.

ای پُر فریب یاوه‌فروشان دوره‌گرد انباشه به دامن تر، عقل و رای خشک

نه انتظار است با ما؛ که قرن‌ها دادخواهی‌ست
کجاست آن شهسواری؛ که آید از ناکجا؟ آه!

(همان، ۶۳۰)

و پشت بند آن مجموعه غزل خطی ز سرعت و از آتش، که هماهنگی بین واگویی‌ها و احساس تکامل‌یافته‌ی شاعر را بازگو می‌کند. این نوع هنجارگریزی از شگردهای زبانی شاعران معاصر به شمار می‌رود. گویی که در عرصه‌ی اجتماعی نماینده‌ی مردمی است که می‌خواهد صدای آنها را به گوش خلق برساند. «او در این دفتر با خطی از سرعت و از آتش به سوی زبان مستقل خود گام برداشته است.» (شریفی، ۱۳۹۱: ۱۸۱) مهم‌ترین شاخه‌ی این دو شعر رویارویی کلامی جهت وسعت بخشیدن به این نوع رویکرد است. این نوع رویکرد را در غزلیات حافظ نیز می‌توان مشاهده نمود. بی‌تردید بیت مد نظر، قسم دوم از اقسام ریاکاری است که پیش از این گفته شد.

این جاست جای نماز ای دل! محراب و رنگ و ریا بشکن

(بهبهانی، ۱۳۹۹: ۶۳۱)

اما در غزلی دیگر به نام در سیاهی شب نومیدان، گویی سیمین به کسانی اشاره می‌کند که تظاهر می‌کنند به حرفه‌ای مشغول هستند و سرشان به کار خودشان است؛ اما حقیقت اینگونه نیست. اینان همان‌هایی هستند که نه تنها باری از دوش کسی بر نمی‌دارند، بلکه او را در ناکامی قرار می‌دهند. در این صورت سروِ ایستاده‌ای باقی نمی‌ماند تا برای بهره‌برداری از آن تبر به دست بگیرند. این نوع هم‌ریزی واژگان با آوردن انواع جملات دستوری حرف‌های تازه‌ای برای گفتن دارند. گزارش دوگانگی رفتاری یا دغل‌کاری جماعتی که ابهام غریب در باور همدیگر به وجود آورده‌اند. می‌بینیم که این گفتمان انتقادی در اشعار سیمین به اوج خود رسیده و با کمیت و کیفیت بهتری بیان شده است.

دل گواهنامه‌ی ناکامان، زخمگاهِ دشنه‌ی دشنامان
هیچ گوشه‌ی زین ورقِ خونین مهرِ نانهادِ نمی‌بینم
این دغل که هیزم تر دارد، در میان پنجه‌ی تبر دارد
تا چه می‌کند به سروستان سرو ایستاده نمی‌بینم

(بهبهانی، ۱۳۹۹: ۱۱۰۶)

۲-۲- نگاه حسین منزوی به مقوله‌ی ریا

غزلیات حسین منزوی بازگوکننده‌ی حالات روحی سرشار از احساسات اوست که با حوادث اجتماعی نیز گره خورده است. در دفتر شعر او چهارصد و پنجاه غزل آمده است

که مضامین گوناگونی را دربر می‌گیرد و بیشترین عنصری که بدان پرداخته عشق است و این واژه می‌تواند حاکی از دغدغه‌هایی باشد که فضایل اخلاقی را انعکاس می‌دهد. عشق به وطن، عشق به ملت و در مفهوم ضمنی، مهرورزی اجتماعی که جامعه را به رستگاری هدایت می‌کند. «جنبه دیگری از شعر اجتماعی منزوی را باید در گله‌ها و دل‌تنگی‌های او از دوگانگی رفتاری هم‌روزگاران‌ش جستجو کرد. زیرا با همه گرفتاری‌ها و کج خلقی‌هایش، اهل پرده پوشی و دو رنگی نبود. از این روی، در سروده‌هایش ضمن ستیز با دروغ و تظاهر، افشای راز دغل‌بازان، گله از فروپاشی ارزش‌ها و رواج فریبکاری، خیانت، پتیارگی و حق ناشناسی، تبلیغگر آیین راستی و یکرنگی بود.» (رهبریان، ۱۴۰۰: ۱۷۴)

منزوی در غزل صد و هشتاد و چهار، در تبیین اینکه فرد به آرزوهای خود نمی‌رسد، وفور اندوه و قحطی شادی می‌داند که این ذهنیت ریشه در حوادث اجتماعی زمان او دارد. در نگاه شاعر قتل عام عشق، از بین رفتن محبت و گسترش ریاکاری برای رسیدن به منفعت شخصی است و سکوت گروهی در تقابل با کج‌نهادی‌های که در اجتماع حکم فرماست، رخ می‌دهد. البته خود اشاره می‌کند که بار کج هرگز به مقصد نمی‌رسد و این نگرش مستلزم اقدام تازه است. احساس می‌شود شاعر مشاهدات خویش را گزارش می‌دهد. به جای اینکه محبت و دوستی در جامعه نشر یابد، صدای تبااهی و ویرانی از منادی‌ها شنیده می‌شود. ماهیت این شعر به گونه‌ای است که گویی قصد دارد زمانه را به پای میز محاکمه بکشاند و شاعر خود به عنوان شاهد از طریق محاکات واکنش نشان می‌دهد. در حقیقت سخنی را مطرح می‌کند که با مسایل روزمره گره خورده و ساز و کارهای هنجارگریزی را خطاب به زمانه آشکار می‌سازد. در مفهوم ضمنی کج‌نهادی می‌تواند نوعی ریاکاری قلمداد شود.

الا زمانه	تکرار	نامرادی‌ها	وفور محنت و اندوه و قحط شادی‌ها
زمان رونق	ظلمت،	کساد خورشید	دلم گرفت از این رونق و کساد
به جز ندای	تبااهی و مرگ و ویرانی		کسی نمی‌شنود بانگی از منادی‌ها
گرفتم این که به نزدیک آن رسید اما			نمی‌رسد به هدف بار کج‌نهادی‌ها

(منزوی، ۱۳۸۸: ۲۶۴)

غزل دویست و سی از یار ناموافقی حرف می‌زند که همیشه برای نشنیدن کلام او و فاصله گرفتن بهانه‌ای دارد و آن سرنوشت شاعر است که آن را فریبکار دغل‌پیشه معرفی می‌کند. در نشانه‌شناسی و بررسی مسایل عشقی جامعه، می‌توان نمونه‌های متعددی با مضمون طرح شده، مشاهده و بازنمایی نمود. غزل حاضر می‌تواند در واقع‌نگری و تغییر تفکرات و ساختارهای اجتماعی مخاطب را آگاه سازد. منزوی در بیت بعد، به یاری مفهوم

می‌شتابد و با آرایه‌ی تمثیل طبیعت فریبکاری را به زیبایی بیان می‌کند و مخاطب را از گمراهی می‌رهاند. به نظر می‌رسد شاعر در موقعیت خاص حرمان قرار دارد و با سرنوشت پیش می‌رود.

شراب خواستم و عمرم سرنگ ریخت به کام من فریبکار دغل‌پیشه، بهانه‌اش نشنیدن بود
چه سرنوشت غم‌انگیزی که کرم کوچک ابریشم تمام عمر قفس می‌بافت ولی به فکر پریدن بود
(همان، ۳۳۱)

منزوی در غزل دویست و هشتاد، خود را مبرا از کسانی معرفی می‌کند که مایل نیست هم‌آوردشان باشد. زیرا پیوسته از ایشان غمین گشته است و با توجه به توانمندی‌های شاعر نسبت به تبیین واقعیت‌ها، می‌توان گفت او حد و مرز وجودی برای انسان قایل است و همانگونه که هست، زمینیان را معرفی می‌کند. از این رو، کسی که در جستجوی فزون‌خواهی است، به خدعه متوسل می‌گردد و به طبع مراتب حق‌ناشناسی را در پی خواهد داشت. اما منزوی میانه‌روی پیشه می‌گیرد و مخاطب را نیز به همان مسیر سوق می‌دهد. به زعم محقق، شاعر در این غزل دو گروه اجتماعی را مد نظر دارد. یکی آنان که بدون تشویش و به ناحق مشغول بهره‌وری هستند و دیگر کسانی که بدون هیچ چشم‌داشتی رضایت‌مندی پیشه می‌کنند. اما خود را حد وسط قرار می‌دهد و از هر دو گروه فاصله می‌گیرد. در واقع شعر نماد تمام عیار جامعه‌ای غریب است که افراد آن از هم بیگانه‌اند و هر کسی به فکر خودش است و شاعر از این وضعیت ابراز سردرگمی می‌کند. به طور کلی انسان اجتماعی در مرادفات خویش، با تأثیرات غیر قابل پیش‌بینی مواجه می‌شود که پس از روابط درازمدت می‌تواند به صفات درونی آنها پی ببرد. این حالت در شعر ملموس است. واژه‌ی حریف به معنای همنشین است و در بیت می‌تواند بیانگر فردی باشد که دارای رذایل اخلاقی و افری است و شاعر قصد دارد با طرح سوال مخاطب را از این ویژگی‌ها با خبر سازد. در نگاه دیگر حریف غمی است که نمی‌تواند از آن رهایی یابد. به نظر می‌رسد در برابر مصائب و غم‌های زندگی تغییر رفتاری از خود بروز نمی‌دهد. برای شناسایی عامل عمده‌ی این حالت می‌توان به واژه‌ی حریف دقت نمود. انسان بر اثر برخورد با افراد دورو که ضعف اخلاقی دارند، و نابهنجاری‌های حاصل از آن به این مرحله از احساس قدم می‌گذارد. «علت بی‌اخلاقی در اغلب موارد اشتیاق برای چیزی است که به نظر خوب می‌آید؛ چه به لحاظ اینکه بی‌واسطه به نظر خوب می‌آید و چه به خاطر اینکه آدمی که از حیث اخلاقی ضعیف است، در طول مدت‌ها به این فکر عادت کرده که آن چیز خوب است. ضعف اخلاقی در چنین حالتی باعث عدم حساسیت‌پذیری در مقابل اصول اخلاقی می‌شود.» (جانکار، ۱۳۸۸: ۲۵۴)

منم و ردای تنگی که به جز من اش ننگجد نه فلک بر آستانم، نه خدا در آستینم
 نه حق حقم، نه ناحق، نه بدم، نه خوب مطلق سیه و سپیدم: ابلق، که به نیک و بد
 نه برانمش، نه بر کشمش، غم است دیگر عجینم

(منزوی، ۱۳۸۸: ۳۹۴)

منزوی در غزل شماره سیصد و یک، به مسایل اجتماعی اشاره می‌کند که انسان‌ها به نام دوست‌خواهی، با خودخواهی خود داغ خیانت بر پیشانی دیگری می‌نهند و سبب رنجش افراد می‌شوند. از نظر او خیانت نیز نوعی دغل کاری به شمار می‌آید. شاعر در این غزل انتقادی، در برابر اینگونه رفتارهای ضد اخلاقی، یکرنگی را تبلیغ می‌کند و به عشق رهنمون می‌سازد. صدق ضرب‌المثل «ماهی را هر وقت از آب بگیری» تازه است، در اندیشه‌ی وی به وضوح دیده می‌شود. این غزل بر هواخواهی شاعر دلالت می‌کند که خواننده را متوجه خود سازد تا در انسجام عقیده و تصمیم زمانبندی را در نظر بگیرد. به زبان ساده‌تر تا وقت هست باید به فکر همدیگر بود و قدر لحظه‌ها را دانست. اما در باب مسئله خیانت که جزء رذایل اخلاقی به شمار می‌رود و به معنای پیمان‌شکنی است، تدارکی برای سیاست نیز هست. زیرا اخلاقیات برخاسته از عقل سلیم است و اینگونه می‌تواند مسئولیت اعمال خود را بر عهده بگیرد. منزوی در این شعر به خوبی حد و حدود اسلوب زندگی و دوستی را مشخص می‌کند. اما به حالت مناظره با خود، مخاطب را به سمت مسیر درست سوق می‌دهد. خیانت از یهودا صفتان تلمیحی به داستان یهودا اسخریوطی (۱) است. در واقع شاعر به دوستی‌هایی اشاره می‌کند که با نفاق همراه است و اگر نفعی در میان باشد، داغ خیانت بر پیشانی می‌گردد. اما به تعبیر منزوی، دوستی‌های کذب، مانند عاشق آواز قناری در قفس بودن است.

دوست‌خواهی به تعبیر خودخواهی در قفس عاشق آواز قناری بودن
 چه نشانی‌ست به جز داغ خیانت به این یهودا صفتان را ز حواری بودن؟
 (منزوی، ۱۳۸۸: ۴۱۹)

در غزل سیصد و پنج، شاعر از حسرت لحظه‌های بی‌دغدغه و آنهایی که همانند عنکبوت بر سر راه یکدیگر تار می‌تند، حرف می‌زند و این درحالی‌ست که خود را از ایشان مبرا می‌داند. در واقع او به شکل نمادین خفقان اجتماعی را بازگو می‌کند و با نام پتیارگی حالت بد و خوب را آشکار می‌سازد. در اشعار سیمین بهبهانی نیز مضمون این واژه به معنی دیوصفت و ناپاک نمودار است. اگرچه نوع نگاه این دو شاعر با هم مغایرت دارد، اما بن‌مایه اصلی ابیات یکسان است. منزوی همه مشکلات بشر را از اعمال خودش می‌داند و تبدیل

اندیشه‌های انتزاعی به فعل که مفید واقع نمی‌شوند.

نه‌ای همچو عنکبوت که بر غیر می‌تند تو چون کرم پيله‌ای که بر خویش
در این‌جا برادران ز یوسف گران‌ترند می‌تنی که پتیارگی بسا به از پاکدامنی
(همان، ۴۲۴)

در غزل سیصد و چهل و چهار، شاعر در شخصیت کسانی که دایره تفکرات‌شان محدود است، وسعت آگاهی نمی‌بیند و نمی‌توان انتظاری از آنها داشت. بدین جهت از آنها کناره‌گیری می‌کند. در این غزل شاعر فاصله شخصیتی خود و آنهایی را که از ناراستی برخوردارند، با عشق جدا می‌کند. افراد تنگ‌نظر برای تغییر دادن شرایط، به نفس خویش، از گمراه کردن دیگران استفاده می‌کنند. از جنبه آسیب‌شناسی کیفیت شعر منزوی، دارای پیام برای از بین بردن مصائب و سختی‌هایی است که مخاطب با آن مواجه می‌شود و در این مهم دو نوع کاربرد زبانی معیار و محاوره‌ای او را به سر منزل مقصود می‌رساند.

در تنگ‌نظر سعه صاحب‌نظری نیست با شب‌پرگان، جوهر خورشیددوری نیست
اینان همه نو دولت عیش گذرانند ما دولت عشقیم که دورش سپری نیست
(منزوی، ۱۳۸۸: ۴۷۱)

در غزل سیصد و هشتاد نیز به طور آشکار بیزاری خود را نسبت به افراد دورو و ریاکار بیان می‌کند و از ایشان دوری می‌جوید. گویی شاعر آب پاکی را بر روی دست کسانی می‌ریزد که حس‌مرائی را به او القا می‌کنند و به وضوح می‌گوید که چیزی از آنها نمی‌خواهد. از دیدگاه روانکاوانه این حالت نوعی کشمکش اجتماعی محسوب می‌شود که بین فرد و افراد جامعه رخ می‌دهد. «کشمکش از هر نوعی که باشد، لزوماً باید با توجه به چند و چون رابطه شخصیت‌ها بررسی شود؛ خواه رابطه بینافردی آنها با یکدیگر یا جامعه و خواه رابطه آنها با جهان درونی خودشان.» (پاینده، ۱، ۱۳۹۷: ۹۳) به نظر می‌رسد واژه نقاب در بیت حاضر نشان‌دهنده حجابی است که بین صدق و کذب فاصله ایجاد می‌کند. در واقع چهره دوگانه افراد را به دو شکل افراط و تفریط نمایان می‌سازد. «انسان زمانی درستکار و راستگو است که رستگاری و راستگویی طبیعت ثانویه او باشد.» (جانکار، ۱۳۸۸: ۲۲۲) احساس می‌شود که منزوی رابطه‌ای بین تفکر و حقیقت ایجاد کرده است. رهیافت او به عنصر دغل‌کاری در افراد جامعه جنبه توصیفی دارد و می‌توان گفت رابطه ذات و عمل به هم وابسته است و به چگونگی انجام دادن آن که آن عمل چقدر خوب یا بد باشد. «از آنجایی که تفکر فعالیتی طبیعی است، ساختار اندیشه ما می‌بایست با سرشت و کیفیت واقعیت مطابقت کند. زیرا خود نوعی و واقعیت است. از سوی دیگر اندیشه اگر چه بدون تصورات متکامل و یکپارچه

نمی‌تواند به جایی برسد. فرآیند تفکر یا همان دانستن خارج از دنیای طبیعت رخ می‌دهد و در واقع محل وقوع آن ذهن خود ماست.» (همان، ۸۱) پس اخلاق به دو صورت فرادست و فرودست پدید می‌آید که این دوگانگی‌های رفتاری نوع فرودست آن است.

زشت و زیبای چهره‌ام خوش باد
من نقاب از شما نمی‌خواهم

(منزوی، ۱۳۸۸: ۵۱۰)

در غزل سیصد و هشتاد و چهار، زاویه دید شاعر این بار بر فریب و افسون‌گری‌های جهان است که در بیت زیر نام می‌برد. زیرا لذت‌های دنیوی گاهی می‌توانند ضعف اخلاقی ایجاد کنند و آن اشتیاق برای دستیابی به آنهاست. منزوی فریب و افسون را مترادف با ریا می‌آورد و از وطن، شعر، موسیقی، افیون، شراب و زن دل می‌کند. زیرا صداقتی که در باطنش وجود دارد، سپری برای ریاکاری است و شاعر به طور ضمنی به مسئله راستی اشاره می‌کند و مواردی را که نام می‌برد، کذب و ریا می‌داند.

دل آکندم زمهر خاک و افسون‌های رنگینش
فریب شعر و موسیقی و افیون و شراب و زن

(منزوی، ۱۳۸۸: ۵۱۵)

در غزل چهارصد و چهل و دو، منزوی قوی‌ترین احساس آدمی را مطرح می‌کند و آن را به نام هراس صدا می‌زند. این حالت روحی و هیجانی در وی برخاسته از محرکی است که در جامعه با آن روبرو شده است. در غزل حاضر این هراس از انتظاری نشأت می‌گیرد؛ انتظار نتیجه یک رویداد نامبارک، به شکل یک سیاهپوش و دارای نقاب و داس مجسم می‌کند. این نوع تصویرپردازی از هراس، در شعر منزوی، حاکی از ترس معقول است و مخاطب بدون ملامت کردن در پی کشف عاملیت آن، ممکن است غزل را چندین بار مطالعه کند. «نقاب در واقع صورتکی است که ما انسان‌ها برای پنهان کردن شخصیت واقعی‌مان از آن استفاده می‌کنیم. در پاره‌ای از موارد نقاب به کلی مخالف شخصیت درونی ماست. اساساً نقاب هیچ واقعیتی ندارد، بلکه حاصل سازش فرد با جامعه بر سر این موضوع است که انسان در ظاهر چه باشد.» (یونگ، ۱۳۷۲: ۶۰-۵۹) ترس‌های اجتماعی به طور طبیعی از واقعیت‌هایی ناشی می‌شوند که بر عملکرد افراد جامعه دلالت می‌کند. تجربه شاعر، وی را در این نوآوری یاری می‌رساند که بتواند این مؤلفه هیجانی را منادی قرار دهد و با آرایه جان‌بخشی دریافت مفهوم شعر را به سادگی برساند.

باچه‌نامی؟ از کدامی؟ از کجایی؟ ای هراس!
ای هراس نانجیب ناکجای ناشناس!

ای تداعی مجسم شئامتی غریب
شکل آن سیاهپوش صاحب نقاب و داس!

(منزوی، ۱۳۸۸: ۵۸۱)

افراد برای کسب سود بردن بیشتر از منابع مالی و اجتماعی، این نوع اخلاق را به عنوان یک استراتژی به کار می‌گیرند. «لذّت و زندگی متقابلاً وابسته به یکدیگرند. هر انسانی می‌فهمد که لذت تکمیل‌کننده‌ی زندگی اوست و این به نوبه‌ی خود باعث می‌شود که زندگی برای او خواستنی‌تر شود.» (جانکار، ۱۳۸۸: ۲۶۲) سیمین حتی در بیتی دیگر به مسئله‌ی کاربرد طلسم و دعا نیز اشاره‌ای آشکار می‌کند که مردم به طور معمول سریع‌ترین و ماورایی‌ترین راه را برای رسیدن به مقصود برمی‌گزینند تا در کوتاه‌ترین زمان ممکن به موفقیت نایل آیند و این به عدم توانایی آنها باز می‌گردد. با اینهمه لازم است موانعی را که صاحبان این خصیصه در مقابل پای دیگران قرار می‌دهند، برداشت. به طور کلی در مفاهیم انتزاعی غزلیات سیمین بهبهانی و حسین منزوی وحدتی وجود دارد و نگرش آنها با توجه به مقوله‌ی ریاکاری جنبه‌ی تئوریک و وظیفه‌گرایی داشته و مبنای فرهنگی می‌یابد. زیر ساخت اعتقادی این دو شاعر، نسبت به آموزه‌های اخلاقی که به نظر می‌رسد همه بدان آگاهی دارند، شیوه‌ای بنیادی و تعلیمی است و ضرورت تبیین آن همواره بر چگونگی زیستن انسان تأثیر می‌گذارد. دگربینی‌های آنها نسبت به فطرت انسانی، نوع‌دوستی و عدالت طلبی می‌تواند درک فرد را به سوی ارزش‌های اجتماعی فراهم سازد. در واکاوی شعر سیمین و منزوی از دیدگاه هلن سیکسو (منتقد و نمایشنامه‌نویس فرانسوی) درباره‌ی کارکردهای جنسیتی زبان همچنین ناظر بر این است که سبک و سیاق زبانی آثار زنان متفاوت با سبک و سیاق زبان در آثار مردان است.» (پاینده، ۲، ۱۳۹۷: ۹۸)

شاعر گاهی رهایی خود از ریا و فریب را بیان می‌کند و به خورشید بی‌نقاب صبحی بی‌آلایش می‌رسد:

هم از خمار رهیدم، هم از فریب گذشتم که از سراب به دریایی از شراب
به جانب تو زدم نقبی از درون سیاهی ر سید م
(منزوی، ۱۳۸۸: ۲۶۸)

مکان نیز می‌تواند امنیت سقیم را به فرد القا کند:
فریب حاشیه‌ی امن را نخواهم خورد اگرچه متن سفرنامه خط‌به‌خط خطر است
(همان، ۴۷۲)

شاعر با تلمیح به داستان آدم و حوا (ع)، به اغواگری فریبکارانه گریزی می‌زند:
سیب و فریب؟ آری بده، آدم نصیبش از سفره‌ی حوا به جز اغوا شدن نیست

(همان، ۵۱۱)

خودفریبی خصلت تکبر را در پی دارد:

بس که چشمانت فریبت داد و همت راه زد بلکه گاهی چشمه‌ای را هم سراب انگاشتی

(همان، ۵۳۵)

خودفریبی که از روی التهاب است:

چه رازی است با آن نگاه غریب که پرهیزش آمیخته با فریب؟

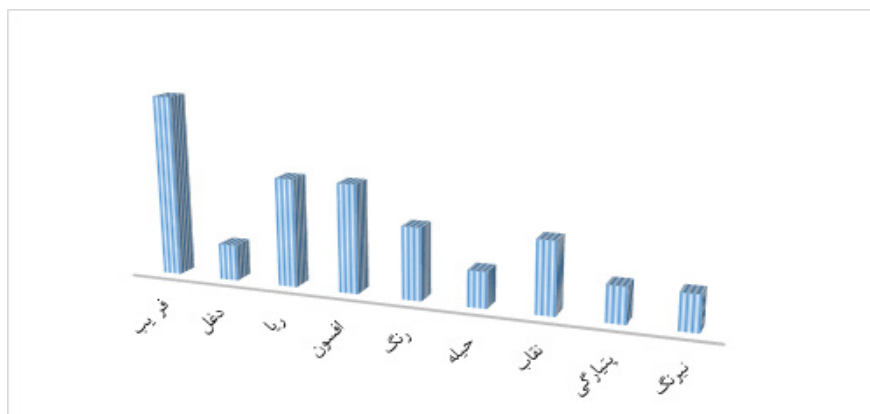
(همان، ۶۳۳)

۲-۳- کاربرد واژگانی از دوگانگی رفتاری که سیمین از آنها بهره می‌گیرد

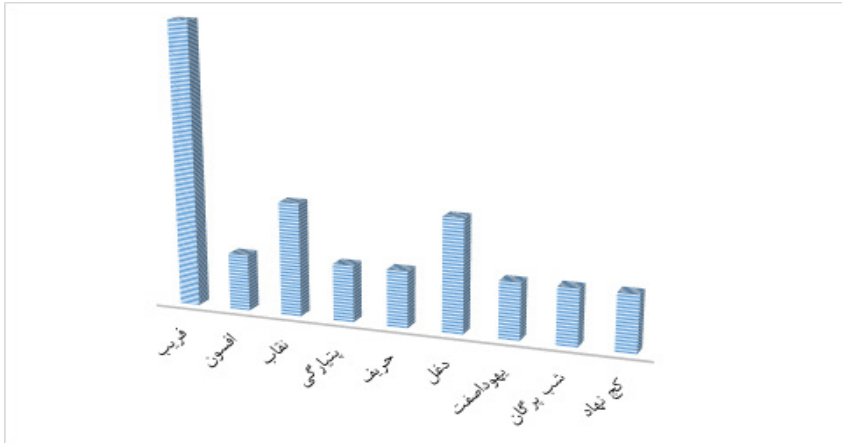
نیرنگ و افسون، ناکسان دغل، ریا و فریب، افسون و رنگ، افسون، فریب و حيله، دام فریب، ساق فریبزن، نقش نقاب، صورتک، پتیارگی، ننگ ریا، رنگ و ریا، فریب پر آب و تاب.

۲-۴- مفاهیم ضمنی ریا در اشعار منزوی

نامرادی‌ها، کج‌نهادی‌ها، حریف، یهودا صفتان، برادران یوسف، پتیارگی، شب‌پرگان، فریب، نقاب، افسون، سیاه پوش صاحب نقاب.



شکل ۱. بسامد کاربردی مترادف مؤلفه ریا در اشعار سیمین



شکل ۲. بسامد کاربردی مترادف مؤلفه ریا در اشعار منزوی

۳- نتیجه‌گیری

خاستگاه اشعار سیمین بهیمانی در زمینه دوگانگی رفتاری و ریا را می‌توان از فرایند منفعت‌طلبی و سودجویی دانست که انتقادی به این نوع ردیلت اخلاقی افراد جامعه است. کاربرد واژگان ریا و فریب در کنار هم بیشتر بیان‌کننده تقابل با درد و رنج افراد جامعه است. اما خاستگاه شعر حسین منزوی عشق بوده و در تمام مسیر خود و پیوند با عناصر دیگر قصد دارد که تنها یک مضمون را به جامعه القا کند. به طور کلی منزوی با ارجاع مضامین مختلف به یک منبع می‌خواهد جامعه منفعت‌طلب را به نظام اخلاقی هدایت کند. او با داشتن روحیه مهرجویی تلاش می‌کند تا انسان‌های بی‌احساس و ظلم‌ستیز را به مهرورزی معطوف سازد. در تقابل با اشعار سیمین می‌توان دریافت که وی در تبیین واقعیت از فرایند نشانه‌پردازی بهره می‌برد و از طریق تجربه و تمثیل در پرتو حقیقت قدرت تصویرسازی و درک مخاطب را فزونی می‌بخشد. گفتنی است که تفکر انسان درباره باورهای جنبه کیفی دارد و آنچه را که می‌بیند یا می‌شنود یا برایش ملموس است و جذابیت بیشتری دارد، مبنا قرار می‌دهد؛ اما منزوی با در نظر گرفتن چرخه‌های زندگی روزمره و جهان شمول روش عاطفی‌تری را برای خوانش و درک غزلیاتش پیش روی مخاطب می‌گذارد. ساختار بنیادی کلام برای فهم شعر، راهنمایی و خط دادن عملی از طریق واژگانی است که حس همدلی و همنشینی را به وجود می‌آورد. سیمین و منزوی براساس شواهد و داده‌ها تصویر کاملی برای مفهوم دوگانگی رفتاری تدوین می‌کنند تا به منظور اثبات روایت‌ها و تأثیرگذاری کاربردی رهیافتی فراگیر ارایه داده باشند. مجموعه اشعار هر دو شاعر بیانگر شرایط زندگی

آنهاست و ساخت اجتماعی مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این میان، شعرهای تعیین شده، توصیف ریا و دغل‌کاری به عنوان رذایل اخلاقی که استیصال انسان را بیان می‌کند، دلسردی و انزجار شاعران را هویدا می‌سازد و سبب می‌شود با نقد و استدلال هنرمندانه، توجه اذهان را الگووار به خود جلب کنند. وجه غالب شعر این دو شاعر از منظر اعتباری حس در تنگنا بودن است. گویی وسعت اندیشه‌های آنها در یک اجتماع نمی‌گنجد و کسی را هم قدرت ارزیابی نیست؛ در واقع می‌توان گفت بدعت معناداری است که قابلیت تکامل دارد. در این میان سیمین به طور مستقیم و با تعدد و تنوع بیشتری این رذیله اخلاقی را مطرح کرده است و این امر نشان می‌دهد که او به عنوان یک زن در جامعه با مسایل ضد اخلاقی قابل توجهی مواجهه شده است. سیمین با آرایه شکل زیبا و ساختار نو در تصویرسازی لطیف و هنرمندانه به جنبه‌های تعلیمی در ادبیات غنایی پرداخته است. در حالی که منزوی تلاش می‌کند تا اصول انسانی و تعهد اجتماعی را عاطفی‌تر لحاظ کند. او با ظرافتی ناب خصیصه دوگانگی رفتاری و ریا را در قالب مفاهیم ضمنی بیان نماید. آنچه که مترادف با موضوع بین سیمین و منزوی مشترک است کاربرد واژه نقاب، افسون، پتیارگی و فریب که بیش‌ترین بسامد را داشته‌اند و با ایجاد پیوندی منظم و زبان ادبی توانسته‌اند عرفان حکمی را در اشعار خود بیاورند و موازین اخلاقی را به مخاطب نشان دهند. در همسنگی اشعار سیمین بهبهانی و حسین منزوی می‌توان دریافت که محصول استدلال ذهنی هر دو شاعر، واژه فریب در ترادف با ریا به طور یکسان به کار رفته است؛ اما به طور کلی هر دو شاعر این مؤلفه را در مفاهیم ضمنی و قالب فریب آورده‌اند. تحلیل حاضر نشان می‌دهد گفتمان انتقادی از اخلاق اجتماعی در شعرهای شاخص این دوره رو به کاهش بوده است.

یادداشت

اسخریوطی Iscariot از حواریون حضرت عیسی (ع) به شمار می‌رود که خیانت کرده و مخفیگاه او را فاش می‌کند. «یهودا مسئول نگهداری اموال و دارایی حواریون بود و همین مسئله سبب به وجود آمدن روحیه طمع‌ورزی در وی گردید.» (هاکس، ۱۳۸۳: ۹۷۸)

منابع

- ۱- آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۸۶). «تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات». فصلنامه ادب پژوهشی. شماره اول، ۱۷-۲۷.
- ۲- بیات، رضا. (۱۳۹۴). «تحلیل محتوای اشعار حسین منزوی». فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی بهار ادب. سال نهم. شماره سوم. شماره پیاپی ۳۳.

۳۷- ۵۵.

- ۳- بهبهانی، سیمین. (۱۳۹۹). **مجموعه اشعار**. دفتر اول. چاپ دوازدهم. تهران: نگاه.
- ۴- پاینده، حسین. (۱۳۹۷). **نظریه و نقد ادبی**، درسنامه‌ای میان‌رشته‌ای. ۲ جلدی، تهران: سمت (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها).
- ۵- جانکار، باربارا. (۱۳۸۸). **فلسفه ارسطو**. ترجمه مهرداد ایرانی‌طلب. چاپ دوم. تهران: اطلاعات.
- ۶- جعفری، زهره. (۱۳۹۴). «مقایسه ارزش‌ها در اشعار پروین اعتصامی، فروغ فرخزاد و سیمین بهبهانی». **فصلنامه علمی- پژوهشی ادبیات فارسی**. بهارستان سخن. سال دوازدهم. شماره ۲۸، ۶۹-۹۲.
- ۷- رهبریان، محمدرضا. (۱۴۰۰). **در سراب امن و ایمان**. زندگی و شعر حسین منزوی. تهران: ثالث.
- ۸- طوسی، خواجه نصیرالدین محمد. (۱۳۶۳). **اخلاق ناصری**. تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری. تهران: خوارزمی.
- ۹- عسگری حسنکلو، عسگر. (۱۳۸۷). «سیر نظریه‌های نقد جامعه‌شناسی در ادبیات». **مجله ادب پژوهشی**. ش ۴.
- ۱۰- لقمان‌نیا، صدیقه. (۱۳۹۴). «بررسی اخلاق اجتماعی در شعر حسین منزوی». **مجموعه مقاله‌های دهمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی دانشگاه محقق اردبیلی**. ۱۹۳-۲۰۵.
- ۱۱- منزوی، حسین. (۱۳۸۸). **مجموعه اشعار**. به کوشش محمد فتحی. ویراست دوم. تهران: نگاه.
- ۱۲- نراقی، احمد، (۱۳۷۸). **معراج السعاده**. قم: هجرت.
- ۱۳- ون‌دایک تئون‌ای. (۱۳۸۲). **مطالعاتی در تحلیل گفتمان- از دستور متن تا گفتمان‌کاوی انتقادی**. (ترجمه گروه مترجمان) تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها (نشر اثر اصلی بیتا).
- ۱۴- هاکس، جیمز. (۱۳۸۳). **قاموس کتاب مقدس**. چاپ دوم. تهران: اساطیر.
- ۱۵- های، کالین. (۱۴۰۰). **درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی**. ترجمه احمد گل‌محمدی. چاپ هفتم. تهران: نی.
- ۱۶- یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۷۷). **روان‌شناسی ضمیر ناخودآگاه**. ترجمه احمدعلی امیری. تهران: علمی و فرهنگی.